| | | | |
|---|---|---|---|
| سؤالات هماهنگ درس: **فارسی ۳** | **به نام خداوند لوح و قلم** | وقت آزمون: ۸۵ دقیقه | محل مهر آموزشگاه |
| نام و نام خانوادگی: | اداره کل آموزش و پرورش استان یزد<br>دبیرستان تیزهوشان شهید رحیمی فر | ساعت برگزاری: ۸ صبح | |
| نام پدر: | | تاریخ امتحان: ۴۰۲/۱۰/۴ | |
| رشته تحصیلی: | پایه تحصیلی: **دوازدهم**/ کلیه رشته ها | تعداد سوال: ۲۰ | تعداد صفحه: ۳ |

با آرزوی موفقیت و شادکامی برای شما عزیزان لطفا سؤالات را در پاسخ برگ جواب دهید.

| | ● قلمرو زبانی (معنی و املای واژگان، دستور) | ۷ |
|---|---|---|
| ۱ | الف) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. (۱)<br>۱) قسیمٌ، جسیمٌ، نسیمٌ، وسیمٌ.<br>۲) در نفیرم مرد و زن نالیده اند<br>۳) باروهای دودخورده به زبان حال بازگو می کند.<br>۴) ریگ آموی، پرنیان شد.<br>ب) در دو بیت از ابیات زیر غلط املایی وجود دارد؛ غلطها را بیابید و صحیح هریک را در پاسخ نامه بنویسید. (۱)<br>۱) از بحر تو صدبار ملامت بکشم/ گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم.<br>۲) چه نیکو گفت با جمشید دستور/ که با نادان نه شیون باد و نه صور.<br>۳) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس/ که دراز است ره مقصد و من نوسفرم.<br>۴) هیچ نقاشت نمی بیند که نقشی برکشد/ وان که دید از حیرتش کِلک از بنان افکنده ای<br>ج) در هر عبارت، یک غلط املایی مشهود است. صحیح هریک را بنویسید. (۵/)<br>۱) از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار قاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد.<br>۲) پس از گشت و گزار در گردشگاه آسمان، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.<br>د) با توجه به معنی درست، املای کدام گزینه ها نادرست است؟ (۵/)<br>۱) حلیه: زینت ۲) کازیه: جاکاغذی ۳) کحر: اسب ۴) اکراه: ناخوشایند بودن ۵) مسطور: پوشیده | ۳ |
| ۲ | کاربرد معنایی «نیست» در کدام گزینه با مصراع «تن ز جان و جان ز تن مستور نیست» یکسان نیست؟<br>۱) روزها گر رفت گو رو باک نیست<br>۲) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست<br>۳) بگفتا جان فروشی در ادب نیست | /۲۵ |
| ۳ | در متن زیر برای هریک از الگوهای داده شده، جمله ای بیابید.<br>پروانه، قوت از آتش خورد؛ بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آن گاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد خود را بر میان زند. زیرا که عشق همه آتش است.عاشقی بی خودی و بی رایی باشد.<br>الف) نهاد + مفعول + مسند + فعل ب) نهاد + مسند + فعل | ۱ |
| ۴ | متن زیر را با دقت بخوانید؛ سپس به سؤالات مربوط به آن پاسخ دهید.<br>الف) آن شب نیز من خود را بر بام خانه گذاشته بودم؛ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، ستارگان زیبا و خاموش، تک تک از غیب سر می زنند.<br>۱) یک نمونه حذف به قرینه معنوی بیابید.<br>۲) زمان فعل «گذاشته بودم» چیست؟<br>۳) نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید. | ۱/۲۵ |
| ۵ | در هر گزینه، به موارد خواسته شده داخل کمانک پاسخ دهید.<br>الف) چشمه آبی سرد در تموز سوزان کویر، از دامنه کوه های شمالی ایران سرازیر می شود. (تعداد وابسته های وابسته)<br>ب) آیینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل ..... این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند (نقش دستوری ضمایر متصل)<br>ج) آن باغ پر از گل در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد. (تعداد ترکیبات وصفی) | ۱ |

www.kanoon.ir

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | در هریک از گروه های اسمی زیر، چه نوع وابسته وابسته ای به کار رفته است؟<br>الف) هوای بسیار سرد روستا ب) همان دو لباس سبز روشن کودک | /۵ |
| | **● قلمرو ادبی** | ۵ |
| ۷ | با توجه به بیتِ:<br>دست از مس وجود چو مردان ره بشوی/ تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی<br>الف) کنایه به کار رفته بیابید و مفهوم آن را بنویسید. ب) در بیت، چند تشبیه به کار رفته است؟ | /۷۵ |
| ۸ | آرایه شاخصِ مشترک ابیات زیر چیست؟ (جناس، تناسب و واج آرایی مراد نیست)<br>عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را/ سیل یکسان می کند پست و بلند راه را<br>جوهر جرئت هردل ز زبان معلوم است/ دلَو در چاه چو خالی است رسن می لرزد (دلَو: سطل) | /۵ |
| ۹ | مفهوم کنایی قسمتهای مشخص شده را بنویسید.<br>الف) بیگاه شد، بیگاه شد، خورشید اندر چاه شد/ خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد<br>ب) برکش ز سر این سپید معجر/ بنشین به یکی کبود اورند | /۵ |
| ۱۰ | در هر نمونه، آرایه خواسته شده داخل کمانک را بیابید. (ذکر واژه یا واژگان مورد نظر در پاسخ نامه، کافی است)<br>۱) آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که مشت خونین قلبم را در زیر باران سکوتش می گیرم. (ایهام)<br>۲) وقت است که چون حافظ فریاد زند فرهاد/ ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی (جناس)<br>۳) سرّ من از ناله من دور نیست/ لیک چشم و گوش را آن نور نیست (مجاز) | /۷۵ |
| ۱۱ | شیوه بیان کدام بیت طنز است و کدام بیت جدی؟<br>۱) با محتسبم عیب مگویید که او نیز/ پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است<br>۲) جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن/ بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است | /۵ |
| ۱۲ | نویسنده هریک از آثار زیر را بنویسید.<br>۱) فیه مافیه ۲) تمهیدات ۳) کویر ۴) بخارای من، ایل من | ۱ |
| ۱۳ | کامل کنید.<br>الف) بازآ که در هوایت خاموشی جنونم .....<br>ب) گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد ..... | ۱ |
| | **● قلمرو فکری** | ۸ |
| ۱۴ | مفهوم مصراع دوم بیت زیر چیست؟<br>گفت: می بسیار خوردی زان چنین بی خود شدی/ گفت: ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست | /۵ |
| ۱۵ | با توجه به بیت زیر، شاعر داشتن چه صفتی را شرط وصال یار می پندارد؟<br>گر در سرت هوای وصال است حافظا/ باید که خاک درگه اهل هنر شوی | /۵ |
| ۱۶ | با توجه به بیت زیر، «بدحالان» و «خوش حالان» در اصطلاح عرفان چه کسانی را گویند؟<br>من به هر جمعیتی نالان شدم/ جفت بدحالان و خوش حالان شدم | /۵ |

www-kanoon.ir

| | | |
|---|---|---|
| ۱۷ | هریک از گزینه های «گروه الف» با کدام بیت «گروه ب» ارتباط مفهومی دارد؟ (یک بیت در گروه ب اضافی است)<br>گروه الف)<br>۱) من نمازم را وقتی می خوانم/ که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو/ پی قدقامت موج...<br>۲) این مدعیان در طلبش بی خبرانند/ کان را که خبر شد خبری باز نیامد<br>۳) روزها گر رفت گو رو باک نیست/ تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست<br>۴) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.<br>گروه ب)<br>ج) عاشقان کشتگان معشوقند/ برنیاید ز کشتگان آواز<br>د) کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند/ نه همه مستمعی فهم کند این اسرار<br>هـ) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر/ بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست<br>و) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟/ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است<br>ز) میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست/ تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز | ۱ |
| ۱۸ | درک و دریافت مشترک بیت و عبارت زیر را بنویسید.<br>آتش است این بانگ نای و نیست باد/ هرکه این آتش ندارد نیست باد<br>وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می یاب. | ۱ |
| ۱۹ | در پندار شاعر، مقصود از «بیت الحزن» در بیت زیر چیست؟<br>خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد/ زاشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است | /۵ |
| ۲۰ | ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و امروزی برگردانید.<br>الف) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد. ۱<br>ب) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است/ ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت. /۷۵<br>ج) از سیم به سر یکی کله خود/ ز آهن به میان یکی کمربند. /۷۵<br>د) محرم این هوش جز بی هوش نیست/ مر زبان را مشتری جز گوش نیست. /۷۵<br>هـ) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد. /۵<br>و) جوجه کبک ها خط و خال انداخته اند. /۲۵<br>سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او/ علمی که ره به حق ننماید جهالت است<br>موفق باشید | ٤ |
| | ***جمع بارم*** | **۲۰** |

www.karnoon.ir